

پدیدارشناسی دگرگونی، پیوستگی و پایایی مفهوم شهر و خاطره در مرکز تاریخی تهران از منظر معماران، مورخان و اصحاب هنر (صفحات ۵۱ تا ۷۶)

DOR:20.1001.1.17358663.1399.15.3.2.7

نوع مقاله: پژوهشی

سیدعبدالهادی دانشپور^۱ * مهران علی‌الحسابی^۲ * مصطفی حسینی کومله^۳

پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۵

دریافت: ۹۹/۰۵/۲۵

چکیده

شهرهای ایرانی در دوران معاصر در پی دگرگونی ارزش‌ها و اعوجاج آداب فکری و زیستی و تغییر رابطه انسان با جهان و طبیعت، انسجام دیرینه کالبدی، اجتماعی و فرهنگی خود را در معرض خطر می‌بینند. در چنین شرایطی خاطرات جمعی رو به فراموشی نهاده و روح و مفهوم شهر به کلی دگرگون می‌گردد. هدف از نوشتار حاضر، مطالعه دگرگونی، پیوستگی و پایایی مفهوم شهر و خاطره جمعی در مرکز تاریخی تهران است. روش پژوهش کیفی و راهبرد آن پدیدارشناسانه است. در این نوشتار، ضمن مروری بر نوشتگان مرتبط با خاطره جمعی، دگرگونی، پیوستگی و پایایی، یک چارچوب نظری برای انجام مطالعه پدیدارشناسانه تدوین گردیده و بر پایه آن مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با معماران، هنرمندان و مورخان زاده و زیسته مرکز تاریخی تهران انجام شده است. نتایج این پژوهش، دربرگیرنده گونه‌بندی خاطرات جمعی، دسته‌بندی نشانه‌ها و علل تغییر محدوده تاریخی تهران است. در این پژوهش به عواملی همچون تداوم حس و حال برخی محلات تاریخی، تداوم حضور پایگاه‌های مذهبی و تداوم بخش‌هایی از سنت معماری به عنوان راز پیوستگی مفهوم شهر در طول زمان اشاره گردیده و عناصری همچون سایه مستدام البرز، خیابان ولیعصر، ابنیه تاریخی، پارک شهر، بازار و بازارچه‌های تاریخی به عنوان ضامن پایایی شهر معرفی می‌گردند. همچنین می‌توان آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی در مرکز تاریخی شهر را در حدود غلبه مرمت بر تخریب و نوسازی، فرهنگ پیرایش به جای آرایش، حفظ شخصیت مرکز تاریخی، سبک زندگی و سکونت اصیل در جریان تغییرات و عدم غلبه سوداگری بر نیازهای واقعی تعریف کرد.

واژگان کلیدی: خاطره جمعی، دگرگونی، پیوستگی، پایایی، مرکز تاریخی تهران.

۱. دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران (نویسنده مسئول) memory.researches@yahoo.com

۲. دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران. alalhesabi@iust.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران. Mostafa_name@yahoo.com

۱- بیان مسئله

در دوران حاکمیت پارادایم مدرن، خردباوری جزئی‌گر پوزیتیویستی، غلبه نگاه کمی و عملکردگرا به نگاه کیفی، کل‌گرایانه و معناگرا، از بین رفتن انسجام ساختارهای اجتماعی فرهنگی شهرها و تبدیل شدن خانه و شهر به ماشینی برای زندگی و سکونت مدرن، مواجهه ایران با تجدد، به مثابه معارضه‌جویی معاصر است که شهرها را با خطر فروپاشی ارزش‌ها، دگرگونی آداب فکری‌زیستی و تغییر رابطه انسان با طبیعت روبرو ساخته و انسجام دیرینه کالبدی، اجتماعی و فرهنگی زیستگاه‌های انسانی را از میان برده است. در این شرایط خاطرات جمعی شهروندان رو به فراموشی نهاده، شهرها با گذشته خود بیگانه شده و روحشان به کلی دگرگون می‌گردد. بدین ترتیب مسئله پژوهش حاضر با مفهوم «خاطره جمعی» آغاز گردیده و به منظور رعایت اصالت سرزمینی، تعریف پژوهش بر پایه چالش‌های احصا شده در زمینه خاطرات جمعی در شهر ایرانی صورت می‌پذیرد. ارزیابی تطبیقی چالش‌های موجود (تداوم خاطره در شهر معاصر، به هم خوردن تعادل دگرگونی، پیوستگی و پایایی در شهرها، پیوند خاطره با تجارب زیسته، فاصله خاطره و به‌خاطر آوردگان، خاطره‌زدایی به بهانه دستیابی به خدمات مدرن انتفاع اقتصادی، تغییر سبک زندگی و اثر آن بر خاطره جمعی، معارضه‌جویی انسان معاصر و خدشه در نظام معنایی شهر) و ایجاد ارتباط مفهومی میان مفاهیم کلیدی آن‌ها نشانگر اهمیت مفهوم «دگرگونی» است. از این رو پژوهش، مطالعه مولفه‌های دگرگونی در شهر ایرانی و ایجاد تعادل میان دگرگونی، پیوستگی و پایایی در شهر را دنبال می‌کند. در این راستا پس از تدقیق دامنه مطالعه، تمرکز ویژه‌ای بر مرکز تاریخی تهران به عنوان نماد دگرگونی نظام معنایی در شهرهای ایرانی، صورت خواهد پذیرفت (علی‌الحسابی و دیگران، ۱۳۹۸). به بیانی دیگر می‌توان گفت، مسئله اساسی در اینجا چگونگی حفاظت از خاطرات جمعی و روح و مفهوم شهر با وجود تغییر و پویایی آن است. شهرها، البته، همیشه در طول زمان شاهد تغییر و دگرگونی بوده‌اند. کشور ایران در شرایط خاص سرزمینی قرار داشته که ناامنی‌ها، جنگ‌ها، حملات قبایل غیر متمدن و درگیری‌های خونین ایلات و یکجانشین‌ها را از سر گذرانده است. پرسش اینجاست که چرا هیچ‌گاه تا این اندازه خاطرات جمعی در شهر مورد هجوم قرار نگرفته و شهرها به رغم تغییرات همواره ساختار و انسجام کالبدی و معنایی خود را حفظ کرده‌اند. اگر مسئله خاطره

زدایی و از میان رفتن روح و مفهوم شهر و نظام معنایی آن در اثر دگرگونی شتابان، سه سطح کلان، میانی و خرد (جهانی، ملی و محلی) داشته باشد، تمرکز این پژوهش به واسطه رعایت اصالت بومی و سرزمینی پژوهش بر روی سطح ملی است و البته به منظور تدقیق دامنه مطالعه و جلوگیری از عام بودن بیش از اندازه پرسش‌های پژوهش، مطالعه تجربی این تحقیق به مرکز تاریخی تهران اختصاص یافته است.

با وجود سابقه مطالعاتی در زمینه خاطره جمعی و ویژگی‌های آن در علوم اجتماعی و مطالعات شهری و مطالعه نظریه پیوستگی و پایایی و دوام مفهوم شهر در عین تغییرات آن، تفاوت در زمینه فرهنگی، اجتماعی و کالبدی ایران با خاستگاه سرزمینی نظریه پردازی‌های یادشده و منطق دیگرگونه مثلث دگرگونی، پیوستگی و پایایی در شرایط مواجهه ایران با مدرنیته و تغییرات بنیان‌کن ناشی از آن، این پژوهش را به واسطه تأکیدش بر بستر فرهنگی سرزمینی ایران و مطالعه مرکز تاریخی تهران از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد. آنچه ضرورت و اهمیت انجام پژوهش را بیش از پیش آشکار می‌سازد، حذف خاطرات در پی معارضه‌جویی معاصر و خطر تغییر رابطه انسان با جهان و طبیعت و افزایش غیرطبیعی شتاب دگرگونی در شرایط معارضه‌جویی معاصر و در پی آن بروز چالش‌های متعدد در نظام معنایی شهر و مخدوش شدن هویت، روح و مفهوم شهر است.

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱- ادبیات تجربی

سابقه طرح مفهوم خاطره جمعی به موریس هالبواکس^۱ می‌رسد (Halbwachs, 1992) که آن را خاطره همیشگی و به‌یادآوری‌گزینشی اعضای یک گروه، در پیوند با چارچوب‌های فضایی و پیوند دهنده فرد به سنت‌ها، عادات، باورهای مذهبی یا مکان‌های خاص می‌داند (Halbwachs, 1980). پس از او صاحب‌نظران دیگری چون آیرمن^۲، میزتال^۳، ویلسون^۴ و الیک^۵ و کیسی^۶ نیز به مطالعه این مفهوم و پیامدهای اجتماعی آن از زوایای گوناگونی پرداخته‌اند (Eyerman, 2002; Misztal, 2003; Misztal, 2009;)

- 1 - Maurice Halbwachs
- 2 - Ron Eyerman
- 3 - Barbara Misztal
- 4 - Robert Wilson
- 5 - Jeffrey Olick
- 6 - Edward Casey

(Wilson, 2005; Olick, 2006; Olick, 2011). مفهوم خاطره جمعی علاوه بر علوم اجتماعی، بتدریج وارد نوشتگان معماری و طراحی شهری گردید. آلدو روسی^۱ شهر را تجلیگاه خاطره جمعی می‌داند و از پیوند خاطره با اشیاء و مکان‌ها می‌گوید. او «روح شهر» را به مثابه هویت و خاطره آن در توصیف تاریخ شهر به کار می‌گیرد (Rossi, 1982). این مفهوم بسیار نزدیک به مفهومی است که پدیدارشناسانی چون نوربرگ-شولتز آن را «روح نگهبان مکان»^۲ خوانده‌اند (نوربرگ-شولتز، ۱۳۹۴). همچنین بویر^۳، ضمن بررسی وضع خاطره در شهر اواخر قرن بیستم، به مطالعه دوران مدرن و پست مدرن و نگاه متمایزشان به مفاهیمی چون گذشته، خاطره و تاریخ می‌پردازد. وی، با نقد نگاه موزه‌ای به خاطره، بر لزوم پیوند آن با تجارب زیسته و قرارگیری خاطره در بستر فضایی-مکانی خود تأکید می‌کند (Boyer, 1994).

در ارتباط با مفهوم دگرگونی، دیوید لاونتال^۴، با نگارش «گذشته، کشوری بیگانه است»^۵، به مفهوم گذشته، چگونگی به خاطر آوردن آن، راه‌های استفاده از آن و تفاوت آن با حال به عنوان کشور بیگانه می‌پردازد (Lowenthal, 2015). او همچنین به مفاهیمی چون قدمت^۶، تداوم (پیوستگی)^۷، انباشتگی^۸، توالی^۹ و پایان‌پذیری^{۱۰} پرداخته و مفهوم پیوستگی و پایایی را هدف قرار داده است. از دید لاونتال، ارزش بسیاری از عناصر گذشته با دوامشان ارزیابی می‌شود (ibid, 117-118). غرور و افتخار در جاودانگی^{۱۱}، پایایی، پیوندهای ناگسستی، رسوم و ویژگی‌های دیرپا ریشه دارد. لاونتال در بیان مقابله کهن/نو و سنت/نوآوری، به دو مفهوم کلیدی دگرگونی^{۱۲} و پایایی^{۱۳} اشاره کرده و هر را به یک اندازه ضروری می‌داند. از نظر او، غلبه بر تغییر به پیوستگی و فرهنگ نهادینه ثبات به فرهنگ انعطاف‌ناپذیر است. او فعالیت خلاقانه را نه صرفاً نوآوری محض بلکه

¹ - Aldo Rossi
² - Genius Loci
³ - M. Christine Boyer
⁴ - David Lowenthal
⁵ - the Past is a Foreign Country
⁶ - Antiquity
⁷ - Continuity
⁸ - Accretion
⁹ - Sequence
¹⁰ - Termination
¹¹ - Perpetuity
¹² - Change
¹³ - Stability

گاه وابسته به اصلاح میراث گذشته تعریف می‌کند (ibid, 147). روسی نیز ضمن پرداختن به «تئوری پایایی» شهر و دسته‌بندی عناصر ساختار شهر به «تیپ»^۱ و «مونومان»^۲، بر تیپ‌ها به عنوان قانون‌مندی حاکم بر شهر و ضامن تداوم آن و بر مونومان‌ها به عنوان عناصر شاخص به‌جامانده از گذشته، حامل خاطره جمعی و ضامن حفظ روح شهر به رغم تغییرات تاکید می‌کند (Rossi, 1982). زروباول نیز با طرح مفاهیمی چون «همان-بودگی»^۳، مفهوم پایایی^۳ مکان را بنیان مستحکمی برای ایجاد حسی قوی از «همان-بودگی» می‌داند که حتی در صورت دگرگونی شگرف، به علت ثبات نسبی محیط کالبدی پیرامون، محملی قابل اتکا برای خاطرات می‌شود. از نظر وی، ثبات مکان، ارتباط با نسل‌های قبل را از طریق گام برداشتن بر ردپاهای آن‌ها، برقرار می‌کند. او در کنار «همان مکان»، با خلق مفهوم «همان زمان» به اهمیت و نقش یادآورانه برگزاری رویدادها در مناسبت‌های تقویمی اشاره می‌کند (Zerubavel, 2003:41-42). ادوارد کیسی نیز، با طرح مفهوم «خاطره مکانی»^۴ به «تداوم تثبیت‌شونده»^۵ مکان به عنوان ظرف دربرگیرنده تجارب اشاره دارد که به خاطره‌انگیزی ذاتی آن منجر می‌شود. او بدین ترتیب، خاطره را ذاتاً مکان‌محور و مکانی برای مکان‌ها می‌داند که با ظرفیت ذخیره‌کننده‌اش، از آن‌ها در ذهن و روح انسان‌ها مراقبت می‌کند (Casey, 2000: 186-187). وی با نگاهی پدیدارشناسانه، پیوستگی و پایایی متداوم مکان‌ها را راز خاطره‌انگیزی‌شان می‌داند و می‌کوشد پیوندی وحدت‌جویانه میان مکان و خاطره برقرار نماید.

در ایران، پژوهش در زمینه خاطره جمعی در شهر نویاست. از توجه به کارکردهای خاطره و اتخاذ رویکرد «حفاظت» و «بازنمایی» در باز‌زنده‌سازی شهری (حسینی کومله و ستوده علمباز، ۱۳۹۲) تا توجه به آثار بازنمایی خاطرات دوردست تاریخی در امحای خاطره جمعی متأخر اهالی (گلرخ و باقری، ۱۳۹۹) و از تأثیر مداخلات بر خاطره جمعی اهالی (غنایی و رازقی، ۱۳۹۹) تا باز‌زنده‌سازی خاطرات پس از سوانح طبیعی (مدیری و اشرفی زنجانی، ۱۳۹۳) کانون پژوهش‌های اخیر خاطره جمعی در ایران بوده‌اند. همچنین مفهوم خاطره جمعی و دگرگونی معاصر آن در ایران، مورد توجه اندیشمندان چون

^۱ - Type
^۲ - monument
^۳ - constancy
^۴ - Place Memory
^۵ - stabilizing persistence

داریوش شایگان قرار گرفته است. شایگان با اشاره به «خاطره ازلی»، مفهومی موسع را در ارتباط با سنت مدنظر قرار داده و چون خاطره قومی هر ملت را حافظ ارتباطش با وقایع ازلی-اسطوره‌ای می‌داند، نام خاطره ازلی بر آن می‌نهد (شایگان، ۱۳۹۳: ۲۷-۴۹). او با طرح مفهوم «بت‌های ذهنی» بیکن، آن را مابه‌ازای «خاطره قومی» تمدن‌های آسیایی و زدودن بت‌های ذهنی یا خاطره‌زدایی را آغازگر تفکر جدید غربی، مانع بزرگ حفظ خاطره قومی می‌انگارد و با خلق مفهوم «معارضه‌جویی معاصر»، نگاهی به رویارویی ایران با مدرنیته و آثار آن (تغییر رابطه انسان با جهان و طبیعت و خاطره‌زدایی) دارد (شایگان، ۱۳۹۳). وی با اشاره به شکل‌گیری «فضاهای ازهم‌گسسته»، واجد «کژتابی‌های ذهنی» و «برخاسته از اعصار گوناگون»، «موزاییک‌های رنگ‌به‌رنگ»، «زخم‌های بدجوش-خورده»، «ژنده‌های رنگ‌باخته» و «تکه‌پاره‌های وصله-پینه‌شده» در شهر ایرانی، فضاهای «شکل‌گرفته برپایه معیارهای صرفاً کمی» و «فونکسیونل»، «تهی از مضمون، فاقد پیوند اندام‌وار با والاترین استعدادهای بشری» که «عنان‌گسیخته می‌گسترده»، «بی‌امان تکرار می‌شود» و از «فقدان برجستگی» و کاهش «فضا به بعد کمی انسان» رنج می‌برد، به طرح پرسش‌هایی اساسی می‌پردازد که ناظر به چگونگی «بازیابی فضاهای گم‌شده در فضاهای جدید» (شایگان، ۱۳۹۲)، «آشتی دادن تکنیک و سنت، نجات خاطره قومی و هموار ساختن رنج خاطره‌زدایی» (شایگان، ۱۳۹۳) و «بازپس دادن سهم روح و وجه تمثیلی و برقراری تعادل میان ابعاد فیزیکی و معنوی» (شایگان، ۱۳۹۱) است.

در حوزه مطالعات شهر و معماری ایران نیز، صاحب‌نظرانی چون پیرنیا و حبیبی، با پژوهش بر روی منطق نانوشته معماری و شهر، کوشیده‌اند تا از «راز بی‌زمان ساختن»^۱ در شهر ایرانی پرده بردارند. پیرنیا تلاش کرده تا ضمن سبک‌شناسی معماری ایرانی به اصول بنیادین معماری این سرزمین دست یابد (پیرنیا، ۱۳۸۲). حبیبی نیز ضمن مطالعه تاریخ شهر، سیر تطور مفهوم شار و مفاهیم مشترک تاریخی آن، به تحول شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی، استحال «کهن» به «کهنه» و تقابل «نو-سنتی» و شکل‌گیری «شهر وابسته»، «شهر سوداگر»، «شهر تقلید»، «شهر-نیرنگ» و «شهر-سراب» در دوره معاصر اشاره می‌کند (حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۲۱۵). سیدمحمد بهشتی نیز پس از بررسی تهران در

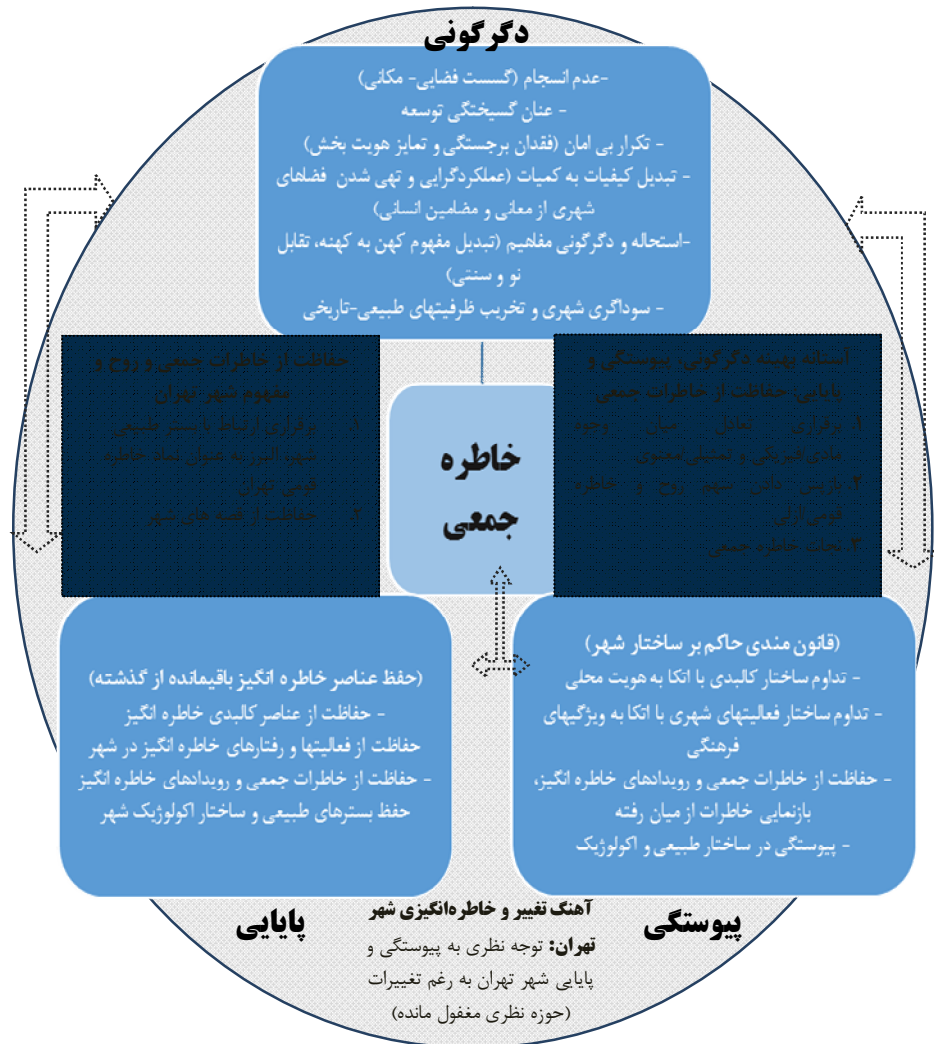
^۱ - عنوان کتابی از کریستوفر الکساندر (Timeless Way of Building)

بستر جهان و ایران، نگاهی به فرآیند دگرگونی‌ها در تاریخ معاصر دارد. وی ضمن اشاره به نقش مهم خاندان‌های بزرگ در اداره تهران، جایگاه مهاجرت‌ها، توسعه ناصری و احداث خیابان‌های فرهنگی‌مآب، ورود خودرو، شکل‌گیری سینما و مدارس جدید، رفت و آمد با اروپا در دوران ناصری و مظفری، مشروطه، فتح تهران و تحولات پس از آن، انقلاب روسیه و مهاجرت‌های ناشی از آن، کودتا و ظهور رضاخان، ورود متفقین در شهریور ۱۳۲۰ و تحولات کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به عنوان علل دگرگونی تهران، معتقد است که وقوع اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۲ و تحولات جمعیتی ناشی از آن موجب فرو ریختن یکباره بنای فرهنگی-اجتماعی شهر تهران، از دست دادن قصه‌ها و روایت‌ها و توصیف کمی شهر به جای توصیف کیفی آن گردیده است (بهشتی، ۱۳۹۵).

بررسی محتوای نوشتگان مرتبط نشان می‌دهد که با وجود طرح مفهوم «دگرگونی» در آثار لاونتال، کیسی، روسی و دیگران، پرداختن به شاخصه‌ها و سنجه‌های دگرگونی در این آثار همچون پژوهش‌های صاحب‌نظران ایرانی مدنظر نبوده است. دگرگونی شتابان جامعه ایرانی در پی معرزه جویی معاصر و نیز تمرکز پژوهش حاضر بر مفهوم دگرگونی و تاثیر آن بر خاطرات جمعی در مرکز تاریخی تهران، توجه به مطالعات نظری پیشین در بستر سرزمینی ایران را از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار می‌سازد. با مرور آثار شایگان، حبیبی و بهشتی می‌توان به عدم انسجام (گسست فضایی مکانی)، عنان گسیختگی توسعه، تکرار بی‌امان (فقدان تمایز هویت بخش)، تبدیل کیفیات به کمیات (عملکردگرایی و تهی‌شدن فضاهای شهری از مضامین انسانی)، دگرگونی مفاهیم (تبدیل مفهوم کهن به کهنه، تقابل نو- سنتی)، سوداگری شهری و تخریب ظرفیت‌های طبیعی و تاریخی به عنوان شاخصه‌های دگرگونی شهر ایرانی اشاره کرد. در خصوص مفاهیم پیوستگی و پایایی، لاونتال به پیوندهای گسسته نشده، رسوم دیرپا، انباشتگی و انتقال نسل به نسل، زروباول به گام برداشتن بر ردپای نسل‌های قبل و مفهوم «همان بودگی»، «همان مکان»، «همان زمان» و کیسی به «خاطره مکانی»، تداوم تثبیت شونده مکان، پیوند میان خاطره و مکان اشاره داشته است. همچنین این موضوع در قالب مفاهیم «تیپ» (قانون‌مندی حاکم بر ساختار شهر) و «مونومان» (آثار بازمانده از گذشته) در آثار روسی مفهوم‌سازی گردیده است. با توجه به مفاهیم فوق و تاکید بر راز ماندگار ساختن در آثار حبیبی و پیرنیا، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که راز پیوستگی در توجه به قانون‌مندی حاکم بر ساختار

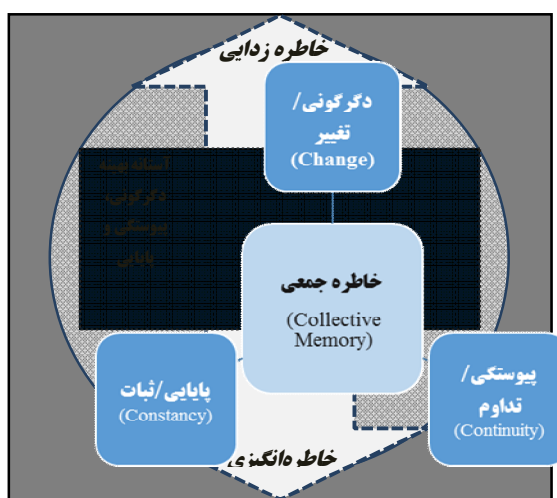
شهر در طول زمان و راز پایایی در توجه به حفاظت از آثار باقی مانده از گذشته است. حال اگر موضوع پیوستگی و پایایی، مولفه‌های شکل دهنده مکان (کالبد، فعالیت، معنا و اکوسیستم) تلقی شود (گلکار، ۱۳۸۰؛ Canter, 1977)، می‌توان تداوم ساختار کالبدی در طول زمان با اتکا به هویت محلی، تداوم فعالیت‌ها و رفتارهای شهری بر پایه ویژگی‌های فرهنگی، بازنمایی خاطرات فراموش شده و پیوستگی ساختار اکولوژیک را از مولفه‌های پیوستگی و همچنین حفاظت از عناصر کالبدی، رفتارهای خاطره‌انگیز در شهر، حفاظت از خاطرات جمعی و رویدادهای خاطره‌انگیز و حفاظت از بسترهای طبیعی و ساختار اکولوژیک شهر را از مولفه‌هایی پایایی دانست. سرانجام، پرسش کلیدی پژوهش مبنی بر چگونگی حفظ خاطره و روح شهر به رغم تغییرات و تعیین آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی می‌تواند با تأکید بر شرایط سرزمینی ایران و تهران بررسی قرار گیرد. برقراری تعادل میان وجوه مادی/ فیزیکی و تمثیلی/ معنوی، بازپس دادن سهم روح و خاطره و نجات خاطره جمعی در شرایط سرزمینی ایران، توجه به برقراری ارتباط با ساختار اکولوژیک شهر، توجه به البرز به عنوان نماد طبیعی خاطره‌انگیز و حفاظت از قصه‌ها و تاریخ شهر، کلیدواژه‌هایی هستند که بر پایه مباحث پیشین در تعیین آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی تهران مورد توجه واقع می‌شوند (شکل ۲). واضح است که محتوای خاطره جمعی تهران و مدلسازی نهایی تعیین آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی محلات مرکزی‌اش، پس از انجام مطالعه پدیدارشناختی خاطرات جمعی شهروندان تدوین و ارائه خواهد گردید.

شکل ۲: تدوین یک چارچوب نظری از نوشتگان مرتبط



۲-۲- ادبیات نظری

مسئله پژوهش در ارتباط مفهومی میان مفاهیم کلیدی دگرگونی، پیوستگی و پایایی معنا می‌یابد. دگرگونی شهر، فراموشی خاطراتش را در پی خواهد داشت و در مقابل، پیوستگی تاریخی شهر و ثبات عناصر آن، منجر به پیوند شهر با گذشته و در نتیجه خاطره‌انگیزی‌اش خواهد شد. از این رو مطابق شکل ۱، در مثلث دگرگونی، پیوستگی و پایایی هر اندازه شهر به رأس مثلث (دگرگونی) نزدیک تر شود، خاطره‌زدایی در آن بیشتر رخ می‌دهد؛ و هر اندازه به قاعده مثلث (پیوستگی - پایایی) نزدیک تر شود، خاطره‌انگیزتر خواهد بود. خاطره در متن این مثلث قرار دارد. پرسش اساسی این پژوهش، تعیین آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی است؛ به گونه‌ای که روح شهر به رغم تغییرات رخ داده در آن حفظ شود.



شکل ۱: چارچوب مفهومی پژوهش

۳. روش پژوهش

پژوهش به واسطه ماهیت مسئله و پرسش‌های کلیدی‌اش در جستجوی درک مفاهیم دگرگونی، پیوستگی و پایایی شهر و اجزای آن در بستر سرزمینی ایران و رابطه خاطره شهر با دگرگونی‌ها، راهبردی کیفی را با نگاه وحدت‌جویانه به عین/ذهن اتخاذ نموده و

از میان روش‌های کیفی پژوهش، «رویکرد پدیدارشناسانه»^۱ را به کار گرفته است. به منظور ارائه درکی مشخص از تجربه زیسته^۲ مخاطبان پژوهش (مرکز تاریخی تهران) و فهم ماهیت خاطرات جمعی شهروندان، مفهوم دگرگونی در شهر، ابعاد و مؤلفه‌های این تغییر، از رویکرد پدیدارشناسانه استفاده می‌شود (Cresswell, 2007: 59). سه دلیل عمده موجب ترجیح پدیدارشناسی توصیفی^۳ به تفسیری^۴ به عنوان مبنای روش‌شناختی تحقیق گردیده است. دلیل نخست، تأکید بر روابط بین‌الذهانی^۵ با توجه به ماهیت خاطرات جمعی و تأکید بر اشتراک تجارب و محتوای خاطره و تغییر آن از دیدگاه شهروندان، دلیل دوم، زمینه مشترک تجارب که تفاسیر متفاوت ناشی از تعدد زمینه تجارب را بلاموضوع می‌سازد و دلیل پایانی، ضرورت تعلیق نگرش پژوهشگر با توجه به عدم زیست در محدوده مطالعه است. محدوده مکانی مورد پژوهش بنا بر دلایل سه‌گانه گستره تغییر، لزوم تدقیق دامنه مطالعه و دسترسی پژوهشگر، مرکز تاریخی تهران (با انطباق تقریبی بر هسته ناصری تهران و برخی محلات میانی همپوند با آن‌ها) است.

به منظور دستیابی به هدف غایی پژوهش در زمینه پدیدارشناسی دگرگونی، پیوستگی و پایایی خاطره و مفهوم شهر تهران، روش گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته است. پرسش‌های مصاحبه بر پایه چارچوب نظری بخش مرور نوشتگان مرتبط (شکل ۲)، و با توجه به معیارهای دگرگونی، پیوستگی و پایایی و همچنین مطالعه خاطرات جمعی در تهران استخراج شده است. این پرسش‌ها پیرامون خاطرات افراد از خانه، ویژگی‌های محل سکونت، آداب و رسوم، فرهنگ، موسیقی، قصه‌ها و رویدادهای مهم دوران زندگی، تغییر نام معابر، تأثیر آداب و رسوم بر طراحی و ساخت خانه‌ها و فضاهای شهری در گذشته و حال، عوامل تغییر تهران و تأثیر تجدد در این تغییرات، تفاوت تهران دوره کودکی با تهران کنونی، تصویر تهران تاریخی و تهران امروز در چند جمله، تفاوت تهران دوره کودکی با شهرهای دیگر، عناصر دست‌نخورده و ثابت تهران در عین تغییرات، مراسم و آیین‌های پابرجامانده، میزان فراموشی خاطرات

^۱ - phenomenological approach

^۲ - lived experience

^۳ - descriptive phenomenology

^۴ - hermeneutic phenomenology

^۵ - intersubjectivity

تهران، میزان به خاطر داشتن خاطرات محله دوران کودکی و مرور آن با دیگران، تداوم حضور یا ترک مرکز تاریخی، میزان آشنایی با عناصر طبیعی و تاریخی تهران، خاطره- انگیزترین عنصر طبیعی تهران، آستانه قابل قبول تغییر در مرکز تاریخی تهران و راهکارهای هم‌نشینی خاطره با تغییرات تنظیم گردیده‌اند.

نمونه‌گیری در این مطالعه پدیدارشناسانه، هدفمند^۱ (Creswell, 2007: 119-122) و برپایه راهبرد «نمونه‌گیری معیار»^۲ و «حداکثر تفاوت»^۳ صورت پذیرفته است. در راهبرد نمونه‌گیری معیار، یک معیار مشخص، مشارکت‌کنندگان پژوهش را تعیین می‌کند (Creswell, 2007: 127). معیار مورد استفاده در این پژوهش بدین صورت است که همه مصاحبه‌شوندگان می‌بایست زاده محلات مرکزی تهران بوده و دست کم دوران کودکی خود را در آن سپری کرده باشند یا دست کم سکونت آن‌ها در مرکز تاریخی بیش از سه دهه دوام داشته باشد. با توجه به اینکه مطالعه به عنوان بخشی از یک رساله دکتری به انجام رسیده است، دسته‌بندی مخاطبان به خاص (معماران، هنرمندان، مورخان) و عام نیز صورت پذیرفته که این مطالعه صرفاً بر پدیدارشناسی دگرگونی، پیوستگی و پایایی خاطره در میان معماران، شهرسازان، سینماگران، موسیقی دانان، و تهران‌شناسانی استوار است که تجربه زیستن در مرکز تاریخی تهران را داشته‌اند. همچنین برپایه راهبرد حداکثر تفاوت، در این پژوهش تلاش شده میزانی قابل قبول از تفاوت (انتخاب مشارکت‌کنندگان پژوهش از متولدین دهه‌های گوناگون یا اقلیت‌های مختلف) مورد نظر باشد. در این پژوهش، به منظور تعیین تعداد مشارکت‌کنندگان، از قاعده اشباع نظری^۴ استفاده می‌شود. بدین معنا که پژوهشگر زمانی مطالعه را به پایان خواهد رساند که احساس کند مطالب مصاحبه‌ها به حالت تکرار رسیده، سخن تازه‌ای در میان نیست و از- این‌رو به دانش پژوهشگر در زمینه پدیده مورد پژوهش افزوده نمی‌شود (داناوی فرد و کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

در تحلیل داده‌های پدیدارشناسی توصیفی هفت گام در نظر گرفته می‌شود. گام نخست جداسازی (تعلیق نگرش‌های شخصی) از طریق ثبت تجربه شخصی از پدیده یا

^۱ - Purposive

^۲ - Criterion Sampling

^۳ - Purposive maximal variation sampling

^۴ - Saturation

یادداشت برداری شخصی پژوهشگر است. گام دوم به تهیه فهرستی از اظهارات مهم در مصاحبه‌ها و یافتن اظهارات مرتبط با نحوه تجربه موضوع توسط افراد و فهرست کردن این اظهارات مرتبط (افق‌سازی داده‌ها) با استفاده از کدگذاری نظری^۱ مورد استفاده در تئوری داده‌بنیاد^۲ اختصاص دارد. گام سوم، مضمون‌سازی و دسته‌بندی اظهارات مهم در قالب واحدهای اطلاعاتی بزرگتر به نام «واحدهای معنایی»^۳ و گام چهارم، «توصیف متنی/ماهوی»^۴ ابعاد و مضامین مشترک تجربه پدیده در میان مشارکت‌کنندگان را دربرمی‌گیرد. «تغییر خلاقانه»^۵ یا بازی کردن با توصیفات متنی به منظور دستیابی به ساختارهای تغییرناپذیر پدیده پنجمین گام و ارائه «توصیف ساختاری»^۶ از چگونگی تجربه و بستری که در آن پدیده تجربه شده است، ششمین گام تحلیل داده‌هاست. سرانجام، گام هفتم ارائه توصیفی ترکیبی از پدیده با ترکیب هر دو توصیف متنی و ساختاری است. متنی که با هدف دستیابی به «ذات»^۷ اشتراکی «تجربه» به خواننده می‌گوید که مشارکت‌کنندگان «چه چیز» را «چگونه» تجربه کرده‌اند (کرسول، ۱۳۹۱: ۱۹۳-۱۹۴؛ دانایی فرد و کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۴۴-۱۴۸).

به منظور سنجش روایی و اعتبار تحقیق، از مدل لینکلن و گوبا استفاده می‌شود که برای قابل اعتماد بودن^۸ پژوهش‌های کیفی، چهار معیار از قبیل باورپذیری^۹، اتکاپذیری^{۱۰}، انتقال‌پذیری^{۱۱} و تصدیق‌پذیری^{۱۲} ارائه داده‌اند که اولین معیار یعنی باورپذیری اصلی‌ترین آن‌هاست. این صاحب‌نظران پنج راهبرد را برای باورپذیری پژوهش در نظر گرفته‌اند که از آن میان راهبرد «کنترل توسط اعضا»^{۱۳} (به معنای ارائه مجدد نتایج پژوهش به مصاحبه‌شوندگان به منظور دریافت بازخورد) در این پژوهش به کار گرفته شده است (دانایی فرد و کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۵۵-۱۵۶؛ کرسول، ۱۳۹۱: ۲۴۷-۲۵۶؛ Linkln & Guba, 1985).

- 1 - theoretical coding
- 2 - Grounded theory
- 3 - meaning units
- 4 - Textual description
- 5 - Imaginative Variation
- 6 - structural description
- 7 - essence
- 8 - Trustworthiness
- 9 - Credibility
- 10 - dependability
- 11 - transferability
- 12 - confirmability
- 13 - member checking

۴- تحلیل:

چارچوب نظری پدیدارشناسی دگرگونی، پیوستگی و پایایی مفهوم شهر و خاطره در مرکز تاریخی تهران از منظر معماران، مورخان و اصحاب هنر

مرحله نخست: جداسازی (یادداشت شخصی پژوهشگر) - یادداشت برداری شخصی این مطالعه (در راستای جداسازی پیش فرض های پژوهشگر) دربرگیرنده مفاهیم خاطره- انگیزی چون «حیات»، «مفهوم کوچه و بازی در کوچه»، «نغمه های «بیات تهران»، «آیین پهلوانی»، «نام ها و قصه های شهر، قصه گویی، پرده خوانی و نقالی در محافل عمومی یا قصه خوانی در شب نشینی و محافل خانوادگی و رویدادهای خاطره انگیز نظیر مشروطه، کودتای ۲۸ مرداد، انقلاب و جنگ تحمیلی است. در این یادداشت همچنین بر تناسب طراحی خانه ها و فضاها با نیازها در گذشته و متأثر شدن آن از فرهنگ مصرفی کنونی و سوداگری ساختمان تأکید شده است. نقطه عطف تغییر تهران نیز دهه های ۵۰، ۷۰ و ۸۰ تلقی گردیده و بر عواملی همچون مواجهه با تجدد، افزایش جمعیت، اصلاحات ارضی، درآمدهای نفتی و اثرات آن بر مهاجرت به عنوان عوامل دگرگونی تهران اشاره گردیده و آستانه قابل قبول تغییر تا آنجا دانسته شده که شهرهای تغییر یافته سرشار از معنا و مضمون و خلاق خاطره باقی بمانند.

مرحله دوم: افق سازی داده ها- در این مرحله به کمک کدگذاری باز اظهارات مهم مصاحبه شوندگان نسبت به پدیده های خاطره جمعی، دگرگونی، پیوستگی و پایایی در مفهوم شهر و خاطره در تهران احصا گردیده و فهرستی کدگذاری شده از اظهارات مهم به دست آمد. ۴۷۱ اظهار نظر مهم فاقد همپوشانی حاصل حدود ۵۰۰ ساعت مصاحبه عمیق با ۲۲ مصاحبه شونده، دربرگیرنده دامنه متنوعی از خاطرات جمعی مرتبط با خانه و محله، رویدادهای مهم زندگی، قصه ها و نامها، علل، عوامل و نقاط عطف تغییر، تداوم و پیوستگی خاطره، ثبات اماکن و دیدگاه های گوناگون در زمینه آستانه قابل قبول در شهر است.

مرحله سوم: مضمون سازی داده ها- در این بخش، ضمن طبقه بندی مفاهیم از طریق انجام کدگذاری محوری، ۲۷ مضمون اصلی شناسایی گردیده است. از این میان، ۵ مضمون اصلی در زمینه خاطرات جمعی (تقسیم بندی خاطرات به خاطرات خانه و محله، خاطرات فرهنگی-اجتماعی، خاطرات مذهبی، خاطرات طبیعی و خاطرات شهری)، ۶

مضمون در زمینه دگرگونی (نشانه‌های تغییر شامل تغییرات اجتماعی، تغییرات اعتقادات و فرهنگ مذهبی، تغییر هویت شهر و معماری، تغییر ارتباط انسان-طبیعت، نقطه عطف تغییر و علل تغییر)، ۲ مضمون در زمینه پیوستگی (ویژگی‌های تداوم‌بخش تهران و تمایز با دیگر شهرها)، ۵ مضمون در زمینه پایایی (سایه مستدام البرز، خیابان ولیعصر، ابنیه تاریخی، بازار و بازارچه‌ها و پارک شهر) و ۹ مضمون در زمینه آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی (غلبه فرهنگ بهسازی بر تخریب، حفظ حال و هوا، حفظ سبک زندگی، عدم غلبه سوداگری بر نیاز واقعی، حفظ ابنیه و بافت اجتماعی، حفظ ضرب-المثلها و قصه‌ها، کشف سرنخ‌های اجتماعی-فرهنگی و کالبدی، ثبت خاطره و برگزاری رویدادهای فرهنگی) از درون مصاحبه‌ها قابل تشخیص بودند.

مرحله چهارم: توصیف متنی - در این مرحله، توصیف متنی تجربه زیسته مصاحبه‌شوندگان در زمینه خاطره جمعی و آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی خاطره در مرکز تاریخی تهران آماده می‌شود. به عنوان مثال توصیف متنی یکی از معماران مخاطب (زاده میدان بهارستان و ساکن کنونی خیابان سی تیر)، به شرح ذیل بوده است:

خاطرات جمعی تهران در آغاز با خانه و محله گره خورده است. ایوان خانه مشرف به میدان بهارستان، خرید از چهارراه سرچشمه و تجربه محله در مقیاس پیاده از جمله این خاطرات هستند. افزون بر خاطرات مذهبی (حسینیه‌های خانگی، جشن نیمه شعبان با بستن گذرها) و خاطرات سیاسی انقلاب، کوچ تابستانه به شمیران نیز از تصاویر خاطره‌انگیز تهران است. شاهد دگرگونی تهران از دهه ۱۳۵۰ به علت تغییر سبک زندگی، رشد ناشی از پول نفت، نوکیسه‌گی و دگرگونی سلاطین در پی جابه‌جایی طبقات اجتماعی و ازدیاد جمعیت بوده‌ام. بی‌نظمی و رفتار غیر مدنی، عدم انسجام، دگرگونی‌های ناشی از جابه‌جایی‌های اجتماعی و تغییر ریخت محلات از شواهد این دگرگونی بوده‌اند. تهران در میان شهرهای ایرانی محل بروز مدرنیته و عدم ثبات مکان زندگی عامل فراموشی خاطراتش است. راز تداوم خاطرات، راه‌اندازی اماکن فرهنگی، نقل خاطره در فضاهای عمومی است. در عین تغییرات، شماری از اماکن تاریخی‌اش و سایه مستدام البرز ثابت و بدون تغییر هستند. آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی در تهران، با حفظ انسجام هویتی و حال و هوای محلاتش تعریف می‌گردد. راز هم‌نشینی تغییرات شهر با خاطره و هویت آن در حفاظت از ساختمان‌های قدیمی و اتخاذ راهبرد پیرایش به جای آرایش است. پس از آن به منظور افزایش باورپذیری نتایج، صحت متن‌های تنظیم شده با

مخاطبان کنترل گردید^۱. پس از صحت‌سنجی توصیفات متنی مخاطبان، با استخراج نکات مشترک و پرتکرار تجربه شده، توصیف متنی جامع و مشترکی آماده می‌گردد. مرحله پنجم: تغییر خلاقانه - در اینجا به منظور دستیابی به ذات تجربه و اصلی‌ترین بخش هایش و استخراج ساختارها و ابعاد تغییرناپذیر پدیده، توصیف متنی به اشکال خلاقانه گوناگون همچون نمودار و جدول درآمده تا لایه‌های زیرین و نهان تجربه عیان‌تر و فهم ماهیت تجربه پدیده توسط افراد آسان‌تر شود (دانایی فرد و کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۴۷). جدول شماره ۱ نمایانگر یکی از اشکال ارائه شده در این مرحله است که به خوبی مضامین مشترک به دست آمده تا این مرحله را نشان می‌دهد.

مرحله ششم: توصیف ساختاری - تا اینجا «چیستی» ابعاد تجربه مخاطبان از پدیده، مورد مطالعه قرار گرفته است. حال یکی از عوامل تأثیرگذار بر ترکیب نهایی توصیف جامع مشارکت‌کنندگان و ارائه ذات پدیده، «چگونگی» تجربه پدیده و زمینه‌ای است که مخاطبان در آن پدیده را تجربه کرده‌اند (دانایی فرد و کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۴۷؛ Creswell, 2007: 159). توصیف ساختاری مخاطبان پژوهش نشان می‌دهد که نیمی از آنان مرکز تاریخی را ترک کرده و اکنون در آنجا زندگی نمی‌کنند. لذا غلبه نگاه نوستالژیک در این مخاطبان محتمل است. در میان مخاطبان ۷ نفر از معماران و شهرسازان، ۶ نفر از سینماگران، ۳ نفر از تهران‌شناسان، ۲ نفر از عکاسان، یک موسیقی‌دان، ۱ نفر از اهالی فلسفه، یک متخصص نسخ خطی و یک نقاش و مجسمه‌ساز هستند که در همه آن‌ها نوع فعالیت و زمینه تخصصی ممکن است به غلبه نگاهی خاص منجر شود. از این‌رو تلاش گردیده تا این سویه‌ها از توصیف اشتراکی نهایی تجربه حذف و بدین ترتیب دستیابی به ذات پدیده امکان‌پذیرتر گردد.

^۱ امکان صحت‌سنجی از محدود مخاطبانی که در طول انجام فرآیند پژوهش به دیار باقی شتافته‌اند یا در دسترس و پاسخگو نبوده‌اند، فراهم نگردید.

جدول ۱: تغییر خلاقانه توصیف متنی جامع مخاطبان پژوهش از خاطره جمعی، دگرگونی،

پیوستگی و پایایی مرکز تاریخی تهران

<p>خاطره جمعی</p>	<p>خاطرات خانه و محله</p> <p>آشنایی و همسایگی، دستگیری از همدیگر، حیاط، خنکای آب، صدای پرنده، درونگرایی و خلوت، حسی از زادگاه بودن، گذرهای باریک و کاهگلی، بوی گل و گیاه، بازی کودکان در کوچه</p>
	<p>خاطرات فرهنگی-اجتماعی</p> <p>نام های مستعار، قصه ها و ضرب المثل ها، نقل قصه و خاطره در دورهمی ها، آیین پهلوانی، هم‌نشینی مذاهب و ادیان</p>
	<p>خاطرات مذهبی</p> <p>هیأت ها، روضه‌های خانگی، محرم ها و نیمه شعبان، نقش پررنگ مساجد</p>
	<p>خاطرات طبیعی</p> <p>جالیز و مزارع دولاب، قنات و آبرسانی، ارتباط انسان با طبیعت در خانه و محله (پشت بام خوابی، ارتباط با گل ها و گیاهان در حیاط و گذرها)، هم‌نمایی با طبیعت و کوچ تابستانه به شمیران</p>
	<p>خاطرات شهری</p> <p>احداث خیابان های رضاشاهی دهه ۱۰، مدرنیته نوپای دهه ۲۰، ساختمان ها و تاسیسات مدرن شهری</p>
<p>دگرگونی</p>	<p>نشانه‌ها</p> <p>تغییرات اجتماعی</p> <p>از میان رفتن حس امنیت، کم‌رنگ شدن مفهوم بازی در کوچه، تغییر سبک زندگی، کم شدن ارتباطات و دورهمی ها، عدم تعلق شهر به اهالی و دسترس ناپذیر بودنش، حرکت از پارادایم آرامش به پارادایم آسایش</p>
	<p>تغییر اعتقادات و فرهنگ مذهبی</p> <p>کم‌رنگ شدن نقش اجتماعی مساجد و تغییر محتوای مراسم مذهبی</p>
	<p>تغییر هویت شهر و معماری</p> <p>از بین رفتن انسجام و ارتباط دانه-بافت، برهم-خوردن ارتباط معماری و شیوه زیست، عدم تعادل درون/برون، شهر تعریف‌ناپذیر بی‌خاطره، برون‌زاد بودن تجدد</p>
	<p>تغییر ارتباط انسان با طبیعت</p> <p>حذف حیاط، انتقال درخت از فضای خصوصی به عمومی، مصنوعیت و عدم ارتباط صمیمانه و ارگانیک انسان با محیط پیرامون</p>

پدیدارشناسی دگرگونی، پیوستگی و پایایی مفهوم شهر و خاطره در مرکز تاریخی تهران

	نقطه عطف	نقطه عطف دگرگونی ها، دهه ۵۰ و ۷۰
	علل	ازدیاد جمعیت، مهاجرت ها، درآمدهای نفتی دهه ۵۰، سوداگری، مصرف-گرایی و نوکیسه‌گی
پیوستگی	ویژگی های تداوم بخش	تداوم الگوی کلی و حس و حال برخی اماکن و محلات
		تداوم حضور برخی ابنیه تاریخی
		تداوم حضور پایگاه های مذهبی
	تمایز با دیگر شهرها	تداوم برخی سنت های معماری (مصالح بوم‌آورد و جزئیات معماری) پایبختی و امکانات وجه تمایز تهران با دیگر شهرها تعجیل و تغییر و تفاخر تهران در برابر تانی، طمأنینه و پیشینه تاریخی شهرهای کهن
پایایی		سایه مستدام البرز
		ولیعصر، ستوان فقرات شهر
		ابنیه تاریخی (کاخ گلستان، ابنیه خیابان سی تیر و ...)
		پارک شهر
		بازار تهران و بازارچه‌های تاریخی (عودلاجان، نایب‌السلطنه، ...)
آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی	آستانه قابل قبول تغییر در مرکز تاریخی	غلبه فرهنگ مرمت و بهسازی بر تخریب و نوسازی (پیرایش به جای آرایش)
		حفظ حال و هوا و شخصیت مرکز تاریخی
		حفظ سبک زندگی و سکونت اصیل
	راز هم‌نشینی خاطره و مفهوم شهر با تغییرات	عدم غلبه سوداگری بر نیازهای واقعی
		حفظ ابنیه تاریخی و بافت اجتماعی
		حفاظت از قصه ها، ضرب المثل ها و زبان شیرین تهران
		کشف سرنخهای اجتماعی، فرهنگی و کالبدی
		ثبت و ضبط خاطره در قالب مستندات تصویری، فیلم و کتیبه‌های معرف
		برگزاری رویدادهای فرهنگی

مرحله هفتم: توصیف ترکیبی و ارائه ذات پدیده- در مرحله پایانی، توصیف ترکیبی جامع مخاطبان و ارائه ذات خاطرات جمعی، دگرگونی، پیوستگی و پایایی این خاطرات و آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی در مرکز تاریخی تهران مدنظر است. متن زیر حاصل نهایی این توصیف جامع است:

خاطرات جمعی تهران با مفهوم خانه و محله آغاز می‌گردد. آشنایی، همسایگی و دستگیری از همدیگر از ابعاد زندگی جمعی در تهران به شمار می‌رفته است. زندگی در خانه‌هایی با حیاط‌های مشجر حیات‌بخش همراه با خنکای آرامش‌بخش آب و صدای پرندگان بخشی از خاطرات مرتبط با خانه در تهران است که تجربه‌ای از درونگرایی و خلوت را برای اهالی به همراه داشته است. تهران حسی از زادگاه بودن دارد و حس و حال محلاتش به همراه گذرهای باریک، دیوارهای کاهگلی آکنده از بوی گل‌ها و گیاهان (یاس، پیچ‌امین‌الدوله، نسترن و ...) بخشی از شخصیت ویژه آن را شکل می‌دهد. مفهوم بازی‌های کودکان در کوچه و تعاملات اجتماعی در گذرها از جمله خاطرات جمعی تهران هستند. به کارگیری القاب و نام‌های مستعار و حامل قصه برای افراد محلی، قصه‌ها و ضرب‌المثل‌ها و نقل‌قصه در دورهمی‌های دوستانه و خانوادگی (به عنوان راز انتقال و پیوستگی خاطره در تهران)، حضور لاتها و جاهل‌ها و در کنار آنها پهلوان‌های نیکنام و آیین پهلوانی و هم‌نشینی مسالمت‌آمیز مذاهب و ادیان از ارکان مهم خاطرات فرهنگی-اجتماعی تهران به شمار می‌رود. هیئات و حسینیه‌ها، روضه‌های خانگی، تصویر ویژه محرم‌ها و جشن‌های نیمه شعبان و نقش اجتماعی پررنگ مساجد از جمله عناصر مشترک خاطرات مذهبی تهران می‌باشند. بخشی از خاطرات جمعی تهران به عناصر طبیعی آن و همچنین ارتباط صمیمانه ارگاتیک انسان با طبیعت گره خورده است. خاطره جالیز دولاب، خاطره قنوت، سیستم آبرسانی و نقش میرآبها، ارتباط انسان با طبیعت در خانه و محله (پشت بام خوابی، ارتباط با گل‌ها و گیاهان در حیاط و حق و حظ رهگذران از گل‌های آویخته بر دیوارها) و هم‌نوایی با طبیعت با کوچ تابستانه به شمیران از خاطرات طبیعی ویژه تهران هستند. از احداث خیابان‌های جدید در دوره رضاشاهی و تخریب حصار و دروازه‌ها در دهه ۱۳۱۰ تا شکل‌گیری شهر متمدن چندفرهنگی با مدرنیته‌ای نوپا در دهه ۱۳۲۰ و خاطرات مرتبط با ساختمان‌ها و تأسیسات مدرن شهر (پلاسکو، اتوبوس برقی و ...) نمایانگر خاطرات شهری گوناگون تهران در نسل‌های مختلف هستند. همچنین خاطره کودتای ۲۸ مرداد، انقلاب و جنگ از پررنگ‌ترین خاطرات ملی و سیاسی به شمار می‌روند. اما تهران دچار دگرگونی شد که از مهمترین نشانه‌هایش می‌توان به تغییرات اجتماعی (از دست رفتن حس امنیت اجتماعی، کم‌رنگ شدن مفهوم بازی در کوچه و حس تعلق به خیابان، جابه‌جایی‌های مکرر و عدم ثبات در مکان، تغییر سبک زندگی، کم‌رنگ شدن ارتباطات، از میان رفتن فرصت دورهمی و نقل‌خاطره، احساس عدم تعلق تهران به اهالی و مخدوش شدن دسترس‌پذیری شهر)، تغییر فرهنگ محلی (کم‌رنگ شدن قصه‌های منضم به نام‌های افراد، تغییر غیر قابل قبول نام اماکن و معابر)، تغییر اعتقادات و فرهنگ مذهبی (کم‌رنگ شدن نقش اجتماعی مساجد و تغییر حال و هوای مراسم مذهبی)، تغییر هویت شهر و معماری (از میان رفتن یکپارچگی و وجه ارتباطی

پدیدارشناسی دگرگونی، پیوستگی و پایایی مفهوم شهر و خاطره در مرکز تاریخی تهران ...

معماری و بافت شهری، اسکیزوفرنی در معماری و شهر و شکل‌گیری شهری تعریف‌ناپذیر و بی‌خاطره، به هم‌خوردن ارتباط شیوه زیست و تفکر و معماری، توهم مدرنیته و برون‌زاد بودن تجدد در ایران، برزخ سنت و مدرنیته، برهم‌خوردن تعادل درون و برون، تغییر ارتباط انسان با طبیعت (حذف حیاط و انتقال درختان از فضای سبز خصوصی به عمومی، شکل‌گیری مصنوعیت و از میان رفتن ارتباط صمیمی و ارگانیک انسان با محیط پیرامون) و حرکت از پارادایم "آرامش" به سمت "آسایش" اشاره کرد. نقاط عطف تغییرات، دهه ۱۳۵۰ و دهه ۱۳۷۰ و مهمترین علل آن ازدیاد جمعیت، و جابه‌جاییهای جمعیتی، درآمدهای نفتی دهه ۵۰ و شکل‌گیری نوکیسه‌گی و زندگی مصرف‌گرا، سوداگری زمین و تبدیل ارزش مصرفی به ارزش مبادله‌ای می‌باشند. تداوم الگوی کلی و حس و حال برخی از خیابانها، تداوم حضور برخی ابنیه تاریخی، تداوم حضور پایگاه‌های مذهبی به عنوان پیونددهنده دوره‌های مختلف، تداوم بخش‌هایی از سنت معماری نظیر مصالح بوم‌آورد (چوب از شمیران و آجر از کویر جنوب تهران) و جزئیات معماری از عوامل پیوستگی مفهوم تهران می‌باشند. پایتختی و امکانات مهمترین وجه تمایز تهران و شهرهای دیگر است؛ هرچند می‌توان به وجوه دیگر تمایز تهران با شهرهای کهن ایرانی نظیر یزد و اصفهان اشاره کرد: تعجیل، تغییر و تفاخر در برابر ثانی، طمأنینه و هویت خاص و دیرینگی شهرهای کهن. سایه مستدام البرز، از مهمترین عناصر طبیعی خاطره‌انگیز تهران در کنار خیابان ولیعصر به عنوان ستون فقرات شهر، ابنیه تاریخی (کاخ گلستان، موزه‌های خیابان سی تیر، ...، پارک شهر، بازارچه‌های تاریخی (عودلاجان، نایب السلطنه و ...) از عناصر پایا و ضامن ثبات در تهران می‌باشند. آستانه بیهیبه دگرگونی، پیوستگی و پایایی در مرکز تاریخی تهران، حدودی است که در آن مرمت و بهسازی جای تخریب و نوسازی و پیرایش جای آرایش را بگیرد، حال و هوا و شخصیت مرکز تاریخی، سبک زندگی و شیوه سکونت اصیل آن حفظ گردد و در فرآیند تغییر مخدوش نشود و نیز سوداگری بر نیازهای واقعی غلبه ننماید. حفظ ابنیه تاریخی و بافت اجتماعی شهر، کشف سرنخ‌های اجتماعی - فرهنگی و کالبدی خاطرات جمعی، ثبت و ضبط خاطرات جمعی در قالب تصویر، فیلم، کتیبه‌های معرف، برگزاری رویدادهای فرهنگی - هنری، حفاظت از قصه‌ها، ضرب المثل‌ها و زبان شیرین تهران از جمله رازهای حفظ خاطره و هویت شهر در عین تغییرات هستند.

در اینجا به منظور دستیابی به پدیدارشناسی خاطره در تهران و دگرگونی، پیوستگی و پایایی آن، علاوه بر توجه به اشتراکات تجارب، راهبرد دیگری نیز به کار آمده که در

اینجا، «راهبرد فیل مولانا» نامیده می‌شود. بدین ترتیب پس از ارائه مضامین اصلی در مرحله مضمون‌سازی به منظور ارائه تصویر روشن‌تری از پدیده‌ها، قطعاتی از تصاویر مخاطبان که می‌تواند تکمیل‌کننده درک و تفسیر عمومی‌شان از پدیده باشد و به ارائه توصیف ترکیبی و نهایی پدیده کمک کند به کار آمده است.

۵. نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به عنوان بخشی از فرآیند پژوهش دکتری با هدف پدیدارشناسی خاطره جمعی و تعیین آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایداری در مرکز تاریخی تهران، به انجام رسیده است. در این رهگذر، هنرمندان، معماران و مورخان و تهران‌شناسان به عنوان بخشی از اهالی شهر که تمرکز ویژه بر مفاهیم کیفی شهر و تجربه زیسته در آن دارند، مخاطبان پژوهش بوده‌اند. توصیف ترکیبی ارائه شده از ماهیت خاطره جمعی در تهران به مفاهیمی از خاطرات خانه و محله همچون آشنایی و همسایگی، حیاط، حس و حال ویژه محلات و گذرهای پر گل و گیاهش، مفهوم بازی‌های کودکان و تعاملات اجتماعی در کوچه، خاطرات فرهنگی اجتماعی چون القاب و نام‌های مستعار افراد، نقل‌قصه‌ها و مثل‌ها در دوره‌های، آیین پهلوانی و هم‌نشینی مذاهب و ادیان، خاطرات مذهبی نظیر حسینیه‌ها، روضه‌های خانگی، محرم‌ها، جشن‌های نیمه شعبان و نقش اجتماعی مساجد، خاطرات طبیعی همانند ارتباط ارگانیک انسان با طبیعت در خانه و محله، سیستم آبرسانی و قنوات و هم‌نوایی با طبیعت از طریق کوچ تابستانه به شمیران، خاطرات شهری مانند احداث خیابان‌های رضاشاهی، شکل‌گیری مدرنیته‌ای نوپا در دهه ۲۰ و احداث ساختمان‌ها و تاسیسات مدرن (پلاسکو، اتوبوس برقی و ...) اشاره دارد. اما

^۱ - اشارتی است به حکایت «فیل در تاریکی» دفتر سوم مثنوی مولانا که در آن عده‌ای در تاریکی هریک با لمس عضوی از اعضای فیل، روایتی متفاوت از فیل دارند: «پیل اندر خانه تاریک بود/ عرضه را آورده بودندش هوند». «از برای دیدنش مردم بسی/ اندر آن ظلمت همی‌شد هر کسی». «دیدنش با چشم چون ممکن نبود/ اندر آن تاریکیش کف می‌بسود». «آن یکی را کف به خرطوم او فتاد/ گفت همچون ناودانست این نهاد». «آن یکی را دست بر گوشش رسید/ آن برو چون بادبیزن شد پدید». «آن یکی را کف چو بر پایش بسود/ گفت شکل پیل دیدم چون عمود». «آن یکی بر پشت او بنهاد دست/ گفت خود این پیل چون تختی بدست». «همچنین هر یک به جزوی که رسید/ فهم آن می‌کرد هر جا می‌شنید». «از نظرگه گفتشان شد مختلف/ آن یکی دالش لقب داد این الف». «در کف هر کس اگر شمعی بدی/ اختلاف از گفتشان بیرون شدی». «چشم حس همچون کف دستست و بس/ نیست کف را بر همه او دست‌رس». «چشم دریا دیگرست و کف دگر/ کف بهل وز دیده دریا نگر».

شهر در دهه‌های ۵۰ و ۷۰ مظاهر گوناگونی از تغییر را در ابعاد اجتماعی-فرهنگی، فرهنگ محلی، اعتقادات و فرهنگ مذهبی، هویت شهر و معماری و ارتباط انسان با طبیعت تجربه و از پارادایم «آرامش» به سمت «آسایش» حرکت می‌کند. با این حال تداوم حس و حال برخی محلات با ابنیه باقیمانده تاریخی‌اش، حضور پایگاه‌های مذهبی به عنوان پیونددهنده دوره‌های مختلف و تداوم بخش‌هایی از سنت و جزئیات معماری راز پیوستگی مفهوم شهر در طول زمان و سایه مستدام البرز، خیابان ولیعصر به مثابه ستون فقرات شهر، ابنیه تاریخی، پارک شهر، بازار و بازارچه‌های تاریخی از عوامل ضامن پایایی در شهر محسوب می‌شوند. می‌توان آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی در مرکز تاریخی را در حدود غلبه مرمت بر تخریب و نوسازی، حفظ حال و هوا و شخصیت مرکز تاریخی، سبک زندگی و شیوه سکونت اصیل و عدم غلبه سوداگری بر نیازهای واقعی تعریف کرد و از حفظ ابنیه تاریخی و بافت اجتماعی، کشف سرنخ‌های اجتماعی فرهنگی و کالبدی، ثبت خاطره، برگزاری رویدادهای فرهنگی و حفظ ضرب-المثل‌ها و زبان شیرین تهران به عنوان راز تداوم خاطره و هویت شهر در عین تغییرات یاد کرد. بدین ترتیب پژوهش به هدف غایی خود دست یافته است. با این حال توجه به مخاطبان عام و مقایسه تفاسیرشان از خاطره، دگرگونی، پیوستگی و پایایی آن با اصحاب فرهنگ و هنر از دایره توجه این پژوهش خارج و می‌تواند موضوع پژوهش دیگری باشد. شایان ذکر است که این پژوهش در فرآیند انجام راهبرد پدیدارشناسانه، به «راهبرد فیل مولانا» به منظور تکمیل تصاویر گوناگون افراد از یک پدیده دست یافته که پرداختن به آن خارج از چارچوب اهداف پژوهش حاضر بوده و شایسته است در آن خصوص نیز پژوهشی مستقل صورت پذیرد.

منابع

- بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۵)، داستان تهران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۲)، سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین: غلامحسین معماریان، تهران: نشر پژوهنده، نشر معمار، چاپ دوم.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۳)، از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- حسینی کومله، مصطفی؛ ستوده علمباز، فاطمه (۱۳۹۲)، «نقش خاطره جمعی در باززنده‌سازی بافت‌های شهری: ارائه راهکار در خصوص ناحیه تاریخی لاهیجان»، هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۱۸(۴)، ۷۰-۷۹، DOI: 10.22059/jfaup.2013.51684
- دانایی‌فرد، حسن؛ کاظمی، سید حسین (۱۳۹۰)، پژوهش‌های تفسیری در سازمان: استراتژی‌های پدیدارشناسی و پدیدارنگاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- شایگان، داریوش (۱۳۹۱)، افسون‌زدگی جدید: هویت چهل‌تکه و تفکرسیار، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: نشر فرزانه روز، چاپ هفتم.
- شایگان، داریوش (۱۳۹۲)، در جستجوی فضاهای گم‌شده، تهران: نشر فرزانه روز، چاپ اول.
- شایگان، داریوش (۱۳۹۳)، بتهای ذهنی و خاطره ازلی، تهران: نشر فرزانه روز، چاپ نهم.
- علی‌الحسابی، مهران؛ دانشپور، سیدعبدالهادی؛ حسینی کومله، مصطفی (۱۳۹۸)، «فرآیند تدقیق عنوان پژوهش مسئله-محور و بوم-خاست دکتری در ایران: تعریف پژوهش پیرامون خاطره جمعی در شهر ایرانی». فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۴(۱۰) (منتشر شده در مرداد ۱۴۰۰)،
- doi: 10.22054/urdp.2021.59825.1306
- غنائی، معصومه؛ رازقی، علی‌رضا (۱۳۹۹)، «تأثیرشناسی مداخلات شهری بر خاطرات جمعی جامعه بومی در بازار تاریخی مشهد»، نامه معماری و شهرسازی، ۱۲(۲۶)، ۴۹-۶۶.

پدیدارشناسی دگرگونی، پیوستگی و پایایی مفهوم شهر و خاطره در مرکز تاریخی تهران

کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۱)، پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد، ترجمه حسن دانایی فرد و حسین کاظمی، تهران: انتشارات صفار-اشراقی، چاپ اول.

گلرخ، شمین؛ باقری، مهسا (۱۳۹۹)، «فضای عمومی یادمانی، تجسم کدام خاطره جمعی»، صفه، ۳۰(۹۱)، ۶۷-۸۲.
گلکار، کورش (۱۳۸۰)، «مولفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری»، صفه، ۱۱(۳۲)، ۶۵-۳۸.

مدیری، آتوسا؛ اشرفی زنجانی، آلاله (۱۳۹۳)، «باززنده‌سازی خاطرات جمعی در بازسازی پس از بلایای طبیعی و ... با تکیه بر هویت مکان»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۳۳(۱۴۵)، ۴۵-۶۲.

نقیب‌زاده، احمد؛ فاضلی، حبیب‌الله (۱۳۸۵)، «درآمدی بر پدیدارشناسی به مثابه یک روش علمی»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۱(۲)، ۳۰-۵۳.

نوربرگ-شولتز، کریستین (۱۳۹۴)، روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری،

ترجمه محمدرضا شیرازی، تهران: رخ‌دادنو، چاپ پنجم.

Boyer, M. C. 1994. *The city of Collective Memory: Its Historical Imagery and Architectural Entertainments*. Cambridge, Mass: the MIT Press

Canter, D. 1977. *the Psychology of Place*. London: Architectural Press

Casey, E. S. 2000. *Remembering: a Phenomenological Study*. Bloomington, Ind.: Indiana University Press

Creswell, J. W. 2007. *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches* (3rd Ed), Thousand Oaks, CA: Sage.

Eyerman, R. 2002. *Cultural Trauma: Slavery and the Formation of African American Identity*. Cambridge university press, Cambridge, UK

Halbwachs, M. 1980[1950]. *The Collective Memory*. translated by Francis JD JV, Vid YP. Harper & Row Colophon Books, New York, USA

Halbwachs, M. 1992 [1925]. *The Social Frameworks of Memory*. In: Lewis AC (ed) *On collective memory* (translated by Lewis AC). The University of Chicago Press, Chicago, USA.

Linkoln, Y. S. and E. G. Guba. 1985. *Naturalistic Inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage.

- Lowenthal, D. 2015. *the Past is a Foreign Country* (Revisited). Cambridge University Press
- Misztal, B.A. 2003. Durkheim on Collective Memory. *Journal of Classical Sociology*. 3(2). 123-143
- Misztal, B. A. 2009. Collective Memory in a Global age: Learning How and What to Remember. *Current Sociology*. 58(1). 2-22.
- Norberg-Shulz, C. 2015. *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*. Translated by Mohammadreza Shirazi. Tehran: Rokhdad-e-Nou. [in Persian]
- Olick, J. K. 2006. Products, Processes, and Practices: A Non-Reificatory Approach to Collective Memory. *Biblical Theology Bulletin: A Journal of Bible and Theology*. 36 (1). PP:5-14.
- Olick, J. K; V. Vinitzky-Seroussi and D. Levy. 2011. *the Collective Memory Reader*, Oxford University Press
- Rossi, A. 1982. *The Architecture of the city*. the MIT press. Cambridge, Massachusetts, USA
- Wilson, R. 2005. Collective Memory, Group Minds and the Extended Mind Thesis. *Cognitive Processing*. No.6: PP: 227-236.
- Zerubavel, E. 2003. *Time Maps: Collective Memory and the Social Shape of the Past*. Chicago: Chicago University Press

